

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال یازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۰ - شماره پیوسته ۳۴

## بررسی صرف فعل در گویش قاینی

(ص ۱۲۹-۱۴۹)

صدیقه‌سادات مقداری (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، خدیجه عاملی<sup>۲</sup>

: 20.1001.1.2345217.1400.11.4.5.4

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۵

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

در پژوهش حاضر با بررسی صرف افعال در زمان‌های سه‌گانه در گویش قاینی برآنیم تا وجود یا عدم وجود واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی کنایی در این گویش مشخص شود. ساخت ارگتیو از جمله ویژگی‌هایی است که هنوز در برخی از گویش‌های ایرانی (مانند کرمانجی، تالشی، تاتی، بلوچی و ...) باقی مانده است. در حالی که در برخی دیگر (مانند فارسی معاصر، کردی مرکزی و جنوبی، لری، مازندرانی، گیلکی و ...) از بین رفته و جای خود را به انواع نظام‌های حالت‌دهی دیگر از جمله فاعلی-مفعولی داده است. گردآوری داده‌های زبانی این پژوهش، به صورت میدانی و کتابخانه‌ای، در شهرستان قاین صورت گرفته است. قاین از جمله شهرستان‌های خراسان جنوبی است و در حد فاصل ۳۳ تا ۳۴ درجه عرض شمالی و ۳۸ تا ۶۰ درجه طول شرقی واقع شده است. تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که گویش قاینی که از گویش‌های ایرانی شرقی است، یک ویژگی را نشان می‌دهد که به نظر، نوعی ساخت شبه ارگتیو یا کنایی را از دوره میانه تاکنون حفظ نموده است.

کلمات کلیدی: گویش قاینی، ساخت ارگتیو، فعل متعدی، فعل لازم، واژه‌بست‌های فاعلی، واژه-بست‌های مفعولی.

## ۱. مقدمه

گویش‌ها، یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی و بهترین نمودار چگونگی نظام اجتماعی یک کشور هستند. بررسی گویش‌ها با دیدی پژوهشی و زبان‌شناختی، افزون بر حفظ این میراث گرانبها، ما را در شناخت کهن‌واژه‌های فراموش‌شده و احیای دوباره آن‌ها به منظور توانمندسازی نظام واژگان زبان فارسی معیار یاری می‌رساند. استان‌های سه‌گانه خراسان، وسیع‌ترین ناحیه‌ای از کشور ایران است که در آن‌ها به زبان فارسی تکلم می‌شود. گویش‌های فارسی رایج در این ناحیه ارتباط تنگاتنگی با فارسی میانه دارد و در این بخش، همگی آن‌ها گویش‌های خراسانی نامگذاری شده‌اند.

ایوانوف (۱۹۲۶:۱۴۵) گویش‌های خراسانی را به سه گروه اصلی تقسیم کرده است: گروه شمالی که در شهرستان‌هایی همچون جوبین سبزوار و نیشابور به آن تکلم می‌شود؛ گروه مرکزی که در شهرستان‌هایی همچون ترشیز و گناباد رایج است؛ و گروه جنوبی که گویشوران آن در شهرستان‌هایی همچون قائن، تون و بیرجند سکونت دارند. به نظر او اختلاف این سه گروه بسیار اندک است و نمی‌توان آن‌ها را گویش‌های مجزایی به حساب آورد؛ به علاوه، این گروه‌ها واژه‌های بسیاری را از یکدیگر وام گرفته‌اند. او این همانندی قابل توجه را به گویش شمال شرقی فارسی دری نسبت می‌دهد که از قرون چهارم و پنجم به بعد زبان ادبی فارسی را تشکیل داده و گویش‌های خراسانی کنونی از آن مشتق شده است.

اما کلباسی (۱۳۸۴: ۳۵) بر خلاف ایوانوف، گویش‌های منطقه خراسان را ذیل زبان‌های ایرانی نو جنوب غربی قرار داده و گونه‌های زبانی چون سبزواری، نیشابوری، کاخکی، قائنی و بیرجندی را در زمره گویش‌های منطقه خراسان آورده است.

ایوانوف (۱۹۲۶:۱۴۶) نواحی گناباد، نیم بلوک قائن، تون و بیرجند را از نواحی بسیار قدیم خراسان دانسته است که بیشتر با هرات در ارتباط بوده‌اند. به نظر وی در طول مرزهای افغانستان و همچنین در نواحی مرزی سیستان و کرمان، زبان دهقانان از زبان خراسانی فاصله می‌گیرد و بیشتر به زبان باستانی سیستان (سکایی) نزدیک می‌شود. چون در گذشته بیشتر مردم قاین به شغل دامداری مشغول بوده‌اند و برای خرید و فروش دام با پای پیاده به مرزهای افغانستان و سیستان سفر می‌کرده‌اند، واژه‌هایی را از آن‌ها قرض گرفته‌اند. این گویش، واژه‌هایی را نیز از زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی قرض گرفته است. فرایند جمع‌بستن در این گویش کاملاً با فارسی معیار متفاوت است به طوری که به دو دسته جمع باقاعده و جمع بی‌قاعده تقسیم می‌شود. گویشوران قاینی همانند بسیاری از گویشوران دیگر گویش‌ها تمایل به تقلیل واژگان و جملات دارند که نمونه‌ای از آن را می‌توان در ساختی به نام ساخت کنایی (ارگتیو) مشاهده کرد که طی آن جمله به یک واژه تقلیل می‌یابد.

## ۱-۱. بیان مسئله

ارگنیو، کلمه‌ای است از ریشهٔ *ergu* یونانی و *erga* لاتین به معنی سبب شدن، به وقوع رسانیدن و خلق کردن (نک: کلباسی، ۱۳۸۴: ۲۶۷). ارگنیو، حالتی نحوی مربوط به فاعل فعل‌های متعدی است. در این ساخت، عامل (فاعل منطقی) به شکل غیر فاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر می‌شود و در نوع کامل آن، فعل از منظر شخص (اول، دوم و سوم شخص)، شمار (مفرد و جمع) و جنس (مذکر و مؤنث) با مفعول که در واقع همان فاعل دستوری است، مطابقت می‌کند (نک: دیکسون، ۱۹۹۴: ۱).

زبان‌های دنیا برای نشان‌دادن روابط دستوری بین موضوع‌های فعل در جمله، از سه شیوه استفاده می‌کنند؛ یعنی سه راه وجود دارد که زبانی نشان دهد کدام اسم درون جمله، فاعل؛ کدام مفعول مستقیم و کدام مفعول غیر مستقیم است. این سه شیوه شامل توالی واژه‌ها، مطابقه و حالت‌نمایی است.

در برخی زبان‌ها، توالی واژه‌های درون جمله مشخص می‌سازد که آن موضوع، فاعل یا مفعول جمله است. زبان انگلیسی از این شیوه برای نشان‌دادن فاعل و مفعول بهره می‌برد ولی این به این معنی نیست که انگلیسی یا هر زبان دیگر الزاماً از یک مدل توالی برخوردار است (تالرمن ۲۰۱۲: ۱۷۲). اگر در جمله فعل را هسته و موضوع‌ها را وابسته بدانیم، زبان‌ها می‌توانند هسته‌ها یا وابسته‌ها را نشان‌دار کنند. زبان‌هایی که هسته‌ها را نشان‌دار می‌کنند، از نظام مطابقه استفاده می‌کنند. در شیوهٔ حالت‌نمایی، گروه‌های اسمی خود به طریقی نشان‌دار می‌شوند و آن نشانه می‌تواند فاعل یا مفعول بودن آن‌ها را نشان دهد. در این زبان‌ها، وابسته‌های فعل، نشان‌دار می‌شوند و هسته بدون نشانه باقی می‌ماند.

نظام حالت‌نمایی خود به چند دسته تقسیم می‌شود (دبیرمقدم، ۲۰۱۲: ۳۳):

۱- زبان‌های فاعلی - مفعولی: در این زبان‌ها، فاعل جمله لازم و فاعل جملهٔ متعدی یکسان و متفاوت از مفعول جملهٔ متعدی نشانه می‌گیرند.

۲- زبان‌های خنثی: این زبان‌ها، فاعل جملهٔ لازم، فاعل جملهٔ متعدی و مفعول جملهٔ متعدی را به یک صورت، نشان‌دار می‌کنند.

۳- زبان‌های کنایی - مطلق: در این زبان‌ها، فاعل جملهٔ لازم و مفعول جملهٔ متعدی یکسان و متفاوت با فاعل جملهٔ متعدی، نشانه می‌گیرند.

۴- زبان‌های شبه خنثی: در زبان‌های شبه خنثی، فاعل جمله متعدی و مفعول جمله متعدی یکسان است و متفاوت با فاعل جمله لازم نشانه می‌گیرد.

۵- زبان‌های سه‌گانه: این زبان‌ها برای هر یک از موضوعات اصلی (فاعل جمله لازم، فاعل جمله متعدی و مفعول جمله متعدی نشانه‌ای مجزا دارند).

به بیان ساده، ارگتیو فاعلی حالتی است که فاعل جمله لازم از اول جمله حرکت می‌کند و برای گرفتن حالت، به صورت یک واژه‌بست در انتهای فعل ظاهر می‌شود (SV ← VS). ارگتیو مفعولی نیز حالتی است که فاعل جمله متعدی برای گرفتن حالت به انتهای فعل حرکت می‌کند و به صورت ضمیر متصل ظاهر می‌شود، مفعول نیز به صورت یک واژه‌بست بعد از فاعل ظاهر می‌شود (SOV ← VSO).

قبلاً ایران‌شناسان و زبان‌شناسان، ارگتیو را با نام‌های دیگری نیز به کار برده‌اند؛ مثلاً یارشاطر (۱۹۶۹: ۲۳۵) آن را تحت عنوان ساخت مجهول هم آورده است. گاهی آن را ساختمان عامل‌دار یا مجهول نیز نامیده‌اند (نک: آموزگار و نفضلی، ۱۳۸۲: ۷۶).

پژوهش حاضر به بررسی و صرف افعال در زمان‌های سه‌گانه می‌پردازد تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا ساخت ارگتیو در گویش قاینی به کار می‌رود؟ و چنانچه پاسخ مثبت باشد چه نوع ارگتیوی به کار می‌رود؟

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره ساخت ارگتیو در زبان‌های ایرانی و نیز دیگر زبان‌ها، تحقیقات قابل ملاحظه‌ای انجام شده است؛ مثلاً کلباسی (۱۳۶۷) پس از پرداختن به ریشه و معنی اصطلاحی ارگتیو، به رده‌شناسی زبان‌ها از نظر نشانه‌های فاعلی و مفعولی می‌پردازد و زبان‌ها را از این نظر به پنج دسته (خنثی، فاعلی-مفعولی، ارگتیو-مطلق، سه‌گونه و گونه نادر) تقسیم و برای هر یک از آن‌ها نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف ذکر می‌کند. علیزاده و تقوی (۱۳۹۱) ضمن بررسی انواع نظام‌های حالت، نخست نظام حالت ارگتیو در گویش کرمانجی در خراسان بررسی می‌کنند. آن‌ها اذعان می‌دارند که کرمانجی که در بخش‌هایی از خراسان نیز به آن تکلم می‌شود در واقع یکی از گویش‌های ایرانی شمال غربی است که به رغم هم-جواری با بسیاری از زبان‌ها مانند فارسی، ترکی، عربی، روسی، و ارمنی و از دست دادن برخی از ویژگی‌های صرفی و نحوی خود، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های تمایزدهنده صرفی و نحوی به نام نظام حالت‌دهی ارگتیو -مطلق را حفظ نموده است. این نوع نظام حالت‌دهی، از جمله ویژگی‌هایی است که هنوز در برخی از گویش‌های ایرانی (مانند کرمانجی، تالشی، تاتی، بلوچی و غیره) باقی مانده است در حالی که در برخی دیگر (مانند فارسی معاصر، کردی مرکزی و جنوبی، لری، مازندرانی، گیلکی و غیره) به کلی از بین رفته است و جای خود را به انواع نظام‌های حالت‌دهی دیگر از جمله فاعلی-

مفعولی داده است. لذا این گویش از نظام حالت ارگتیو گسسته برخوردار است. راسخ مهند (۱۳۸۸) به بعضی از ویژگی‌های ساخت ارگتیو در تاتی جنوبی اشاره کرده است. وی در بررسی تاریخی پی‌بست‌ها در فارسی باستان و میانه و نقش آن‌ها در تاتی جنوبی نشان داد که در مقایسه با فارسی میانه، تاتی جنوبی و فارسی جدید، پدیده کشش به سمت راست را نشان می‌دهند. سبزیلیپور (۱۳۹۲) با بررسی سه زبان تاتی، تالشی و گیلکی از گروه زبان‌ها و گویش‌های حاشیه خزر نشان می‌دهند که در اغلب گونه‌های دو زبان تاتی و تالشی، ساخت ارگتیو رعایت می‌شود، اما در زبان گیلکی از بین رفته، و فقط رسوباتی از آن باقی مانده است. داده‌های این تحقیق، علاوه بر روش میدانی، به صورت کتابخانه‌ای نیز انتخاب و جمع‌آوری شده است. مطابق این تحقیق نحوه فروپاشی این ساختار را می‌توان چنین بیان کرد که پی‌بست‌ها از جایگاه دوم خارج شده‌اند و به سوی فعل در حال حرکتند؛ تطابق فعل با مفعول در شمار و شخص، و تمایز حالت فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها در حال از بین رفتن هستند؛ نحوه استفاده از ضمیر اول شخص مفرد man/az در بسیاری از گونه‌ها نابسامان شده است. میر دهقان و نوریان (۱۳۸۸) به بررسی و تحلیل نشان‌داری حالت ارگتیو و مطابقه در گویش مرکزی زبان تالشی به عنوان یکی از زبان‌های در خطر و از مهم‌ترین زبان‌های نوین از خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی که ویژگی ارگتیو را از دوره میانه تاکنون حفظ نموده است می‌پردازند. زبان تالشی دارای سه گویش اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی است که بر مبنای محدوده جغرافیایی کاربرد، شناخته می‌شوند. در این میان، تنها گویشی که تاکنون ویژگی ارگتیو را حفظ نموده است گویش مرکزی این زبان است. در این مقاله، ضمن تحلیل علمی تصریف حالت در داده‌های گویش مرکزی زبان تالشی در قالب بندهای متعددی ساده و معلوم، چگونگی نشان‌داری حالت در گروه‌های اسمی کانونی با استفاده از ابزارهایی که دیکسون (۱۹۹۴) معرفی کرده است، بررسی شده است. این تحلیل همراه با بررسی مطابقه شخص و شمار و حالت در افعال تالشی به انجام رسیده است که تظاهر روندهایی متفاوت را پیرامون مطابقه در فعل‌های لازم و متعدی در این زبان آشکار می‌نماید. غلامی و گوتینگن<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) گویش باختری (از گویش‌های ایرانی میانه در افغانستان را از نظر حالت‌دهی مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها نیز کاربرد ساخت ارگتیو را در این گویش نشان داده‌اند. دانش‌پژوه (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارگتیو در زبان کردی» به بررسی ساخت ارگتیو در زبان کردی پرداخته است. هدف از پژوهش وی، بررسی تطبیقی-تحلیلی ساخت به اصطلاح مجهول در کردی سورانی و کرمانجی است که بر اساس رویکرد «دستور نقش و ارجاع» تحلیل می‌شود. حاصل داده‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم این-که، کرمانجی و سورانی در بند متعدی گذشته به ترتیب نظام زبانی ارگتیو ساخت‌واژی و غیرفاعلی-مفعولی را در نظام زبانی خود متجلی می‌سازند، مجهول زمان-مبنا نیستند. بدان معنا که پدیده مجهول

<sup>۱</sup>. Göttingen

در هر دو گویش در زمان حال و گذشته، هر دو، از نظام زبانی فاعلی-مفعولی پیروی می‌کند. علاوه بر این، در این پژوهش نشان داده می‌شود که مجهول هر دو مرحله مندرج در «اصل همگانی تقابل جهت»؛ یعنی تغییر موضوع نحوی-ترجیحی و تغییر موضوع را در بر می‌گیرد. افزون بر این، برآیند حاصل از داده‌ها بیانگر این مطلب است که در زبان کردی هیچ تفاوت عمده‌ای به لحاظ نحوی، معناشناسی و کاربردشناختی میان مجهول ترکیبی و تصریفی مشاهده نمی‌شود. در مرحله آخر نیز با استناد بیشتر به آرای کرافت (۲۰۱۰) نشان داده می‌شود که مجهول ساخت واژی و نحوی هر دو رخداد کرانمند و ناکرانمند را توصیف می‌کنند. بنابراین، رابطه مستقیمی بین ساخت مجهول و مقوله کرانمندی وجود ندارد. کشاورزی و همکاران (۱۳۹۸) ساختمان صرفی فعل در گویش پاپونی کوهمره نودان را بررسی نموده‌اند. پاپون یکی از روستاهای کوهمره نودان از توابع شهرستان کازرون در استان فارس است که مردم آن به گویش «پاپونی» سخن می‌گویند، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که فعل در گویش پاپونی مانند دیگر زبان‌های ایرانی میانه، براساس دو ماده مضارع و ماضی ساخته می‌شود. نکته دیگر این است که شیوه صرف افعال گذرا و ناگذرا در این گویش با هم تفاوت دارد؛ بدین صورت که برای صرف افعال گذرا، همچون زبان فارسی میانه، شناسه‌ها ابتدای فعل می‌آیند. همچنین شناسه‌های فعل‌های گذشته‌گذرا و ناگذر نیز با هم متفاوت هستند که بر این اساس می‌توان این گویش را از خانواده زبان‌های به اصطلاح ارگتیو دانست. همچنین شناسه‌های فعل‌های گذشته و حال نیز مشابه نیستند. در گویش پاپونی صفت مفعولی به شیوه فارسی نو قدیم (بن ماضی + فتحه) ساخته می‌شود، برای بیان مفاهیم مربوط به آینده از فعل مضارع اخباری استفاده می‌شود و به طور کلی ساخت صرفی افعال در گویش پاپونی با زبان فارسی معیار تفاوت زیادی دارد و بعضی از گونه‌های فعل به چندین شیوه ساخته می‌شوند. دبیرمقدم (۲۰۱۲) با جمع آوری داده‌هایی در مورد زبان‌های ایرانی از جمله گونه‌های مختلف کردی، تالشی و دوانی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه رده‌شناسی کامری (۱۹۷۸) نشان داده است که همه زبان‌های ایرانی شدیداً از یک نظام مطابقه به عنوان یک پارامتر رده‌شناسی بهره می‌برند. کورن (۲۰۰۵) نیز به توصیف زبان‌شناختی گویش بلوچی پرداخته و به این نکته اشاره کرده است که گویش بلوچی دارای ساخت مرکب کنایی- مطلق و فاعلی- مفعولی است.

تاکنون پژوهش‌هایی در گویش قاینی انجام گرفته است که می‌توان به زمردیان (۱۳۶۸) اشاره نمود که در تلاش برای ارائه راهنمایی در انجام تحقیقات عملی در گویش‌شناسی، به توصیف کلی گویش قاین از جهات آوایی، ساخت واژی و نحوی در قالب کتاب پرداخته است. به دلیل ماهیت این کتاب، تحلیل کیفی و موردی از مباحث ساخت واژی و نحوی از جمله ساخت ارگتیو در این کتاب ارائه نمی‌شود. ایشان اذعان می‌دارد که فعل از نظر صرفی به سه گروه ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌گردد که در گویش قاینی افعال پیشوندی، پرکاربرد بوده و نقش مهمی در تنوع معنایی دارند. زمردیان (۱۳۸۵)

واژه نامه‌ای نیز در گویش قاینی دارد که در پایان آن، بخشی به ارائه ضرب‌المثل‌هایی از این گویش اختصاص داده شده است. مقداری و همکاران (۱۳۹۱) نیز کتابی مشتمل بر ضرب‌المثل‌های قاینی دارند که در آن تلاش شده است تا با تطبیق پیکره داده‌ها و مجموعه ضرب‌المثل‌های چاپ شده فارسی، تا حد امکان ضرب‌المثل‌های این گویش از مواردی که با فارسی مشترکند متمایز گردد. همچنین ناصری و امامی (۱۳۸۸) نیز به بررسی برخی مختصات گویش قاینی از جمله بررسی تغییرات آوایی در صرف افعال آن می‌پردازند. آن‌ها برای زمان گذشته هفده نوع فعل، برای حال سه نوع و برای آینده شش نوع فعل را در این گویش بازشناخته‌اند که البته برخی از این زمان‌ها در فارسی معیار متروک گشته‌اند. این جستار با اهداف آشنایی بیشتر با گویش قاینی به بررسی صرف فعل از منظر ارگتیویتی می‌پردازد.

## ۲. بررسی ساخت ارگتیو در گویش قاینی

ارگتیو حالتی نحوی مربوط به فاعل فعل‌های متعدی است که در آن، عامل به شکل غیر فاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر می‌شود. به بیانی واضح‌تر، فاعل یا مفعول در فعل ظاهر می‌شود و جمله با یک کلمه (فعل) بیان می‌شود. در ادامه به بررسی ارگتیو مفعولی و ارگتیو فاعلی می‌پردازیم تا واژه-بست‌های ارگتیویتی مربوط به هر یک از آن‌ها مشخص شوند.

### ۲-۱. ارگتیو مفعولی

در این نوع از ساخت ارگتیو، مفعول جمله که برای شنونده شناخته شده است، به همراه نشانه مفعولی «را» حذف شده و در پایان ساختمان فعل به صورت یک پسوند ظاهر و نشان‌دار می‌شود؛ فاعل نیز به صورت ضمیر متصل قبل از مفعول قرار می‌گیرد و فعل در اول جمله و در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. VSO ← SOV

(۱). و ستون دی یم ده.

vastondi-y-om-de.

من کتاب را گرفته‌ام.

ترکیب بالا به ترتیب شامل: فعل + y- میانجی + ضمیر متصل فاعلی + مفعول که به صورت واژه‌بست /de/ ظاهر شده است.

در ادامه سعی خواهیم کرد در قالب جداولی، موضوع ارگتیو فاعلی- مفعولی را در گویش قاینی طوری ارائه دهیم تا واژه‌بست‌های ارگتیویتی در این گویش در مقایسه با فارسی محاوره‌ای و فارسی

دری مشخص شوند. بنابراین به صرف صیغه‌های مختلف (گذشته، حال و آینده) فعل متعدی «بازستاندن» می‌پردازیم. این فعل در فارسی معیار «گرفتن، خریدن» و در گویش قایینی به شکل /vastonda/ به کار می‌رود.

جدول ۱-۱. ماضی ساده فعل بازستاندن در ساخت ارکتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی
اول شخص	بازستاندمش	گرفتمش	/Vastond-om-de/	بازستاندمش	گرفتمش	/Vastond-em-de/
دوم شخص	بازستاندیش	گرفتیش	/Vastond-i-de/	بازستاندیش	گرفتیش	/Vastond-ey-de/
سوم شخص	بازستاندش	گرفتش	/Vastond-e/	بازستاندش	گرفتش	/Vastond-an-de/

در جدول فوق و نیز در جداول بعدی، وند /de/ در همه موارد، نقش مفعولی دارد و قبل از آن نیز وندهای /om/ برای اول شخص مفرد، /i/ برای دوم شخص مفرد و /e/ برای سوم شخص مفرد با نقش فاعل به کار می‌رود (قابل ذکر است که در سوم شخص مفرد تکواژ پس از وند فاعلی وند /de/ مفعولی به کار نمی‌رود). همچنین وندهای /em/ برای اول شخص جمع و /ey/ / / برای دوم شخص جمع و /and/ برای سوم شخص جمع با نقش فاعل به کار می‌روند.

جدول ۲-۱. ماضی ساده فعل بازستاندن در ساخت ارکتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی
اول شخص	باز می‌ستاندمش	می‌گرفتمش	/va-me-stond-om-de/	باز می‌ستاندمش	می‌گرفتمش	/va-me-stond-em-de/
دوم شخص	باز می‌ستاندیش	می‌گرفتیش	/va-me-stond-i-de/	باز می‌ستاندیش	می‌گرفتیش	/va-me-stond-ey-de/
سوم شخص	باز می‌ستاندش	می‌گرفتش	/va-me-stond-e/	باز می‌ستاندش	می‌گرفتش	/va-me-stond-an-de/



جدول ۱-۳. ماضی بعید فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاین
اول شخص	بازستانده بودمش	گرفته بودمش	/vastonde-bod-om-de/	بازستانده بودیمش	گرفته بودیمش	/vastonde-bod-em-de/
دوم شخص	بازستانده بودیش	گرفته بودیش	/vastonde-bod-i-de/	بازستانده بودیدش	گرفته بودیدش	/vastonde-bod-ey-de/
سوم شخص	بازستانده بودش	گرفته بودش	/vastonde-bod-e/	بازستانده بودندش	گرفته بودندش	/vastonde-bod-an-de/

جدول ۱-۴. ماضی التزامی فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاین
اول شخص	بازستانده باشمش	گرفته باشمش	/vastonde-beš-om-de/	بازستانده باشیمش	گرفته باشیمش	/vastonde-beš-em-de/
دوم شخص	بازستانده باشیش	گرفته باشیش	/vastonde-beš-i-de/	بازستانده باشیدش	گرفته باشیدش	/vastonde-beš-ey-de/
سوم شخص	بازستانده باشش	گرفته باشش	/vastonde-beš-e-de/	بازستانده باشندش	گرفته باشندش	/vastonde-beš-an-de/

جدول ۱-۵. ماضی نقلی فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاین
اول شخص	بازستانده امش	-	/vastond-i-y-om-de/	بازستانده ایمش	-	/vastond-i-y-em-de/
دوم شخص	بازستانده ایش	-	/vastond-e-y-i-de/	بازستانده ایدش	-	/vastond-i-y-ey-de/
سوم شخص	بازستانده اش	-	/vastond-e-y-e/	بازستانده اندش	-	/vastond-i-y-an-de/

جدول ۱-۶. ماضی مستمر فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاین
اول شخص	داشتم باز می‌ستاندیش	داشتم می‌گرگش	/dāštom-va-me-stond-om-de/	داشتم باز می‌ستاندیش	داشتم می‌گرگش	/dāštem-va-m-stond-em-de/
دوم شخص	داشتی باز می‌ستاندیش	داشتی می‌گرگش	/dāšti-va-me-stond-i-de/	داشتی باز می‌ستاندیش	داشتی می‌گرگش	/dāšty-va-m-stond-ey-de/
سوم شخص	داشت باز می‌ستاندیش	داشت می‌گرگش	/dāšte-va-me-stond-e/	داشت باز می‌ستاندیش	داشت می‌گرگش	/dāštam-va-me-stond-am-de/

جدول ۱-۷. مضارع اخباری فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاین
اول شخص	باز می‌ستانمیش	می‌گیرمیش	/va-me-stun-om-de/	باز می‌ستانمیش	می‌گیرمیش	/va-me-stun-em-de/
دوم شخص	باز می‌ستانیش	می‌گیریش	/va-me-stun-i-de/	باز می‌ستانیش	می‌گیریش	/va-me-stun-ey-de/
سوم شخص	باز می‌ستاندیش	می‌گیردش	/va-me-stun-e-de/	باز می‌ستاندیش	می‌گیردش	/va-me-stun-an-de/

جدول ۱-۸. مضارع التزامی فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره‌ای	گویش قاین
اول شخص	باز بستانمیش	بگیرمیش	/vâ-stun-om-de/	باز بستانمیش	بگیرمیش	/vâ-stun-em-de/
دوم شخص	باز بستانیش	بگیریش	/vâ-stun-i-de/	باز بستانیش	بگیریش	/vâ-stun-ey-de/
سوم شخص	باز بستاندیش	بگیردش	/vâ-stun-i-de/	باز بستاندیش	بگیردش	/vâ-stun-an-de/

جدول ۱-۹. ماضی مستمر فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی
اول شخص	دارم باز می ستانم	دارم می گیرم	/derom-va-me-stun-om-de/	دارم باز می ستانم	دارم می گیرم	/derem-va-me-stun-em-de/
دوم شخص	داری باز می ستانم	داری می گیرم	/deri-va-me-stun-i-de/	داری باز می ستانم	داری می گیرم	/dercy-va-me-stun-ey-de/
سوم شخص	دارد باز می ستانم	داره می گیرد	/derede-va-me-stun-e-de/	دارد باز می ستانم	داره می گیرد	/deran-va-me-stun-an-de/

جدول ۱۰-۱. آینده فعل بازستاندن در ساخت ارگتیو مفعولی

شخص	مفرد			جمع		
	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی	فارسی دری	فارسی محاوره ای	گویش قاینی
اول شخص	بازخواهم ستانم	خواهم گرفت	/vâ-xe-stond-om-de/	بازخواهم ستانم	خواهم گرفت	/vâ-xe-stond-em-de/
دوم شخص	بازخواهی ستانم	خواهی گرفت	/vâ-xe-stond-i-de/	بازخواهی ستانم	خواهی گرفت	/vâ-xe-stond-ey-d/
سوم شخص	بازخواهد ستانم	خواهد گرفت	/vâ-xe-stond-e/	بازخواهد ستانم	خواهد گرفت	/vâ-xe-stond-an-de/

در جدول بالا، واژه‌بست‌های مفعولی مربوط به ساخت ارگتیو مفعولی در فارسی محاوره‌ای /eš/ و در گویش قاینی برای همه صیغه‌ها واژه‌بست /de/ است. در گویش قاینی، مفعول حذف شده با واژه‌بست‌های /e/ در کنار میانوند /-y-/ در ماضی نقلی، /e/ در ماضی استمراری، ماضی بعید، آینده با فاعل سوم شخص مفرد و /de/ در سایر صیغه‌ها و سایر اشخاص ظاهر شده و مفعول (اسم شیء مفرد یا ضمیر آن) را که از جمله حذف شده است، نشان‌دار می‌کند.

(۲). م کتاب ر ببردیم.

/Ma ketâb ra bo-bordi-y-om/.

من کتاب را برده‌ام.

همان‌طور که گفته شد وقتی مفعول مستقیم به صورت اسم ظاهر نشود، می‌توان از ضمیر مفعولی /de/ در پایان فعل استفاده کرد.

/bo-bordi-y-om de/.	(۳). برده امش.
/ bo-bordε-y-I de/.	برده ایش.
/bo-bordi-y-em de/.	برده ایمش.
/bo-bordi-y-εy de/.	برده ایدش.
/bo-bordi-y-an-de.	برده اندش.

در مثال‌ها و جداول بالا تنها از اسم مفرد (غیر شخص) در نقش مفعول استفاده کردیم. اگر سایر اسامی (شخصی و غیر شخصی، مفرد و جمع) را در جداول بالا قرار دهیم، نتایج حاصل خواهد شد که با جمع بندی آن‌ها به الگوهای زیر دست می‌یابیم:

در فارسی میانه ضمائر متصل یا واژه‌بست‌های /am/، /εt/، /εš/، /emân/، /εtân/، /ešân/، با حذف مفعول در پایان فعل ظاهر می‌شوند و مرجع خود؛ یعنی مفعول را نشان‌دار و ساخت ارگتیو می‌سازند (نک: میردهقان و نوریان، ۱۳۸۸). در فارسی محاوره‌ای نیز مفعول با ضمائر متصل یا واژه‌بست‌های /am/، /εt/، /εš/، /emun/، /εtun/، /ešun/ نشان‌دار خواهد شد. اما در گویش قایینی این ساخت تنها در مورد اسامی بیجان (مفرد و جمع) و گیاهان کاربرد دارد و برای اسامی جاندار (انسان و حیوان مفرد و جمع)، ذکر اسم یا ضمیر آن در جایگاه مفعول الزامی است و نمی‌توان مفعول را حذف کرد.

(۴). مفعول بیجان: فاطمه کتاب‌ها را برد.

وقتی کتاب‌ها حذف شود، در پایان فعل از وند /de/ استفاده می‌شود:  
فاطمه پُرده.

/ fâtemε bo-borde/.

و گاهی فاعل هم که برای شنونده شناخته شده است، حذف می‌شود.

(۵). مفعول جاندار: گوسفندان را آوردم.

/gusfεndu rε biardom/.

گوسفندها را آوردم.

در این مثال، نمی‌توان گوسفندان را حذف و ضمیر /de/ به جای آن استفاده کرد.

بررسی صرف فعل در گویش قاینی (ص ۱۲۹-۱۴۹)----- صدیقه سادات مقداری و همکار ۱۴۱

یا در جمله «او تو را دوست دارد»، در فارسی محاوره‌ای به صورت «اون دوست داره» هم به کار می‌رود. در گویش قاینی داریم:

(۶). او تو ر مِیّه

/ ū to-r mayɛ/.

او تو را می‌خواهد (دوست دارد).

مفعول (تو) حذف نمی‌شود ولی می‌توانیم فاعل / ū / را حذف و به جای آن پسوند / de / را به فعل متصل کنیم و جمله را به صورت / to-r mayɛ-de / بیان کنیم.

در فارسی محاوره‌ای، فعل امر با مخاطب دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع، با واژه‌بست / eš / به کار می‌رود.

(۷). «آن را بیر (بیرید)».

/ bebar-eš /.

دوم شخص مفرد:

/ bebar-in-eš /.

دوم شخص جمع:

در گویش قاینی، ساخت ارگتیو در مورد فعل امر با مخاطب دوم شخص مفرد با واژه‌بست / e / و با مخاطب دوم شخص جمع با واژه‌بست / de / تشکیل می‌شود.

(۸). دوم شخص مفرد:

بیره

/ beber-e/.

آن را بیر.

(۹). دوم شخص جمع:

بیری ده

/ beber-ey-de/

آن را بیرید.

در مورد افعال دو قسمتی گذرا که از جزء فعلی و غیر فعلی ساخته شده‌اند نیز می‌توان گفت که در فارسی محاوره‌ای، وند / eš / به هر دو جزء فعلی و غیر فعلی می‌پیوندد، ولی در گویش قاینی / de / تنها به جزء فعلی متصل شده و مفعول را نشان‌دار می‌کند.

(۱۰). «آن را سرخ کردم».

فارسی محاوره‌ای: سرخش کردم. یا سرخ کردمش.

/sorx kardam- eŠ/ یا /sorx-eŠ kardam/.

گویش قاینی: سُرخ کردومه. /sorx kerd-om-de/.

## ۲-۲. ارگتیو فاعلی

در این نوع از ساخت ارگتیو، فاعل که برای شنونده شناخته شده است، از اول جمله حذف شده و به صورت واژه‌بستی در پایان فعل ظاهر می‌شود و فاعل را نشان‌دار می‌کند؛ به بیانی دیگر، همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، ارگتیو فاعلی حالتی است که فاعل جمله لازم از اول جمله حرکت می‌کند و برای گرفتن حالت به صورت یک واژه‌بست در انتهای فعل ظاهر می‌شود (vs←sv).

(۱۱). علی دَخو شُ. ← دَخو شُده.

/de xou Šo- de/. ← Ali de xou Šo.

علی خوابید. ← خوابیدش.

(۱۲). علی بَره ← بَرده

/be-raf- de/. ← Ali bera.

علی رفت. ← رفتش.

همان‌طور که در مثال‌های بالا دیده می‌شود، فاعل (علی) از اول جمله حرکت کرده و به شکل واژه‌بست /e/ در پایان فعل ظاهر می‌شود، جمله به یک واژه تقلیل یافته است.

در ادامه به صرف فعل لازم «رفتن» /ɾeftan/ در فارسی محاوره‌ای و گویش قاینی می‌پردازیم تا واژه‌بست یا واژه‌بست‌های مربوط به ارگتیو فاعلی مشخص شوند. در جداول ذیل فرض را بر این می‌گیریم که فاعل حذف شده است.

همان‌طور که در جداول زیر مشاهده می‌شود فقط در سوم شخص مفرد در صورت حذف فاعل، واژه‌بست /e/ در پایان فعل ظاهر می‌شود. در سایر موارد، وجود یا عدم وجود فاعل، در صرف فعل تأثیری ندارد.

جدول ۱-۲. ماضی ساده فعل /rafta/

جمع		مفرد		شخص
گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	
/be-raft-em/	رفتیم	/be-raft-om/	رفتم	اول شخص
/be-raft-ey/	رفتین	/be-raft-i/	رفتی	دوم شخص
/be-raft-am/	رفتن	/be-raft-e/	رفتش	سوم شخص

جدول ۲-۲. ماضی استمراری فعل /rafta/

جمع		مفرد		شخص
گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	
/me-raft-m/	می رفتیم	/me-raft-om/	می رفتم	اول شخص
/me-raft-ey	می رفتین	/me-raft-i/	می رفتی	دوم شخص
/me-raft-am/	می رفتن	/me-raft-e/	می رفتش	سوم شخص

جدول ۳-۲. ماضی بعید فعل /rafta/

جمع		مفرد		شخص
گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	
/be-raftε-bod-em/	رفته بودیم	/be-raftε-bod-om/	رفته بودم	اول شخص
/be-raftε-bod-em/	رفته بودین	/be-raftε-bod-i/	رفته بودی	دوم شخص
/be-raftε-bod-am/	رفته بودن	/be-raftε-bod-e	رفته بودش	سوم شخص

جدول ۲-۴. ماضی التزامی فعل /rɛfta/

شخص	مفرد		جمع	
	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی
اول شخص	رفته باشم	/be-rɛftɛ- beŠ-om/	رفته باشیم	/be-rɛftɛ-beŠ-em/
دوم شخص	رفته باشی	/be-rɛftɛ-beŠ-I /	رفته باشید	/be-rɛftɛ-beŠ-ey/
سوم شخص	رفته باشه	/be-rɛftɛ-beŠed-e/	رفته باشند	/be-rɛftɛ-beŠ-am/

ماضی التزامی در فارسی محاوره‌ای، فاعل نشان‌دار ندارد و در گوش قاینی تنها در سوم شخص مفرد فاعل خود را با واژه‌بست دارد.

جدول ۲-۵. ماضی نقلی فعل /rɛfta/

شخص	مفرد		جمع	
	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی
اول شخص	رفتم	/be-rɛfti-y-om/	رفتیم	/be-rɛfti-y-em/
دوم شخص	رفتی	/be-rɛftɛ-y-i/	رفتین	/be-rɛfti-y-ey/
سوم شخص	رفته	/be-rɛftɛ-y-e/	رفتن	/be-rɛfti-y-am/

جدول ۲-۶. ماضی مستمر فعل /rɛfta/

شخص	مفرد		جمع	
	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی
اول شخص	داشتیم می‌رفتم	/dâŠt-om me-raft-om/	داشتیم می‌رفتیم	/dâŠt-em-me-raft-em/
دوم شخص	داشتی می‌رفتی	/dâŠt-I me-raft-i/	داشتید می‌رفتید	/dâŠt-ey meraft-ey/
سوم شخص	داشت می‌رفتش	/dâŠt-e me-raft-e/	داشتن می‌رفتن	/dâŠt-am meraft-am/



جدول ۲-۷. مضارع اخباری فعل /rɛfta/

جمع		مفرد		شخص
گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	
/me-r-em/	می ریم	/me-r-om/	می رَم	اول شخص
/me-r-ey/	می رین	/me-r-i/	می ری	دوم شخص
/me-r-am/	می رن	/me-r-ɛ-de/	می رِه	سوم شخص

جدول ۲-۸. مضارع التزامی فعل /rɛfta/

جمع		مفرد		شخص
گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	
/be-r-em/	بریم	/be-r-om/	برم	اول شخص
/be-r-ey/	برین	/be-r-i/	بری	دوم شخص
/be-r-am/	برن	/be-r-ɛ-de/	بره	سوم شخص

جدول ۲-۹. مضارع مستمر فعل /rɛfta/

جمع		مفرد		شخص
گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	گویش قایینی	فارسی محاوره‌ای	
/dɛrem me-r-m/	داریم می ریم	/dɛrom me-r-om/	دارم می رم	اول شخص
/dɛrey me-r-ey/	دارین می رین	/dɛri-me-r-i/	داری می ری	دوم شخص
/dɛran me-r-an/	دارن می رن	/dɛrɛ-de me-rɛ-de/	داره می ره	سوم شخص

جدول ۲-۱۰. آینده فعل /rafta/

جمع		مفرد		شخص
گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	گوش قاینی	فارسی محاوره‌ای	
/be-xε raft-em/	می ریم	/be-xε-raft-om/	می رم	اول شخص
/be-xε raft-ey/	می رین	/be-xε raft-i/	می ری	دوم شخص
/be-xε raft-am/	می رن	/be-xε raft-e/	می ره	سوم شخص

مثال‌های دیگری از ارگتیو فاعلی در گوش قاینی:

(۱۳). با حذف فاعل: وَ حَشَدَه

/va xašɛ- de/

آماده شخم‌زدن است آن.

بدون حذف فاعل: زَمی وَ حَشَه

/zɛmi va-xašɛ/

زمین آماده شخم‌زدن است.

(۱۴). با حذف فاعل: وَ درو یه ده.

/va derou -y-ɛ- de/

آماده درو است آن.

بدون حذف فاعل: گندمو وَ درو یه

/ gandomu va derou -y-ɛ /

گندم‌ها آماده درو کردن هستند.

(۱۵). «غذا آماده خوردن است».

با حذف فاعل: وَر خورِ ده.

/vɛr xor-ɛ-de/

آماده خوردن است آن.

بدون حذف فاعل: غذا وَر خوَر.

/qazâ ver xor-ε /

غذا آماده خوردن است.

ارگتیو فاعلی در گویش قاینی تنها برای سوم شخص مفرد و اسم مفرد غیر شخص کاربرد دارد و برای سایر صیغه‌ها کاربرد ندارد. مثال برای سایر صیغه‌ها در گویش قاینی (با فاعل و بدون فاعل):

(۱۶). اونو وَر رَیم. وَر رَیم.

/unu ver ra-y-am/ /ver ray-am/

آن‌ها آماده رفتن هستند. آماده رفتن هستند.

(۱۷). تو وَر کاری تو وَر کاری.

/to ver kêr- i/ /ver kêr- i/

تو آماده کار کردن هستی. آماده کار کردن هستی.

همان‌طور که در مثال‌های بالا مشاهده شد، با حذف فاعل، تغییری در ساختمان فعل هیچ کدام ایجاد نشد.

### ۳. نتیجه‌گیری

با بررسی صرف فعل در گویش قاینی، این نتیجه حاصل شد که در صورت حذف فاعل یا مفعول یا هردو از جمله، واژه‌بست /e/ برای نشان‌دار کردن مفعول و واژه‌بست‌های /e/ و /de/ برای نشان‌دار کردن فاعل به انتهای فعل افزوده می‌شود و جمله تنها با یک فعل بیان می‌شود. /eš/ برای نشان‌دار کردن فاعل سوم شخص مفرد در زمان‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی بعید و ماضی مستمر و نیز واژه‌بست‌های /am/، /et/، /eš/، /emun/، /etun/، /ešun/ برای نشان‌دار کردن مفعول در فارسی محاوره‌ای و واژه‌بست‌های /am/، /eš/، /et/، /emân/، /etân/، /ešân/ برای نشان‌دار کردن مفعول در فارسی میانه به کار می‌روند و ساخت شبه کنایی را می‌سازند. همچنین بررسی‌ها نشان داد که ارگتیو فاعلی در گویش قاینی تنها برای سوم شخص مفرد و اسم مفرد غیر شخص کاربرد دارد و برای سایر صیغه‌ها کاربرد ندارد. این ساخت‌ها فاعل بی‌نشان دارند؛ یعنی با

حذف فاعل، تغییری در ساختمان فعل ایجاد نمی‌شود. در سوم شخص مفرد و اسم مفرد غیر شخص با حذف فاعل، وند /de/ به فعل اضافه می‌شود.

## منابع

- ۱- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۸۲). زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن. تهران: انتشارات معین.
- ۲- دانش پژوه، فاطمه. (۱۳۸۵). «ساخت ارگتیو در زبان کردی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان-شناسی همگانی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۳- راسخ مهندس، محمد. (۱۳۸۸). «نگاهی به رده شناختی به پی بست های ضمیری در زبان تاتی». پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۱(۱). ۱-۱۰.
- ۴- زمردیان، رضا. (۱۳۸۵). واژه‌نامه گویش قاین. تهران: نشر آثار.
- ۵- زمردیان، رضا. (۱۳۶۸). زبان‌شناسی عملی بررسی گویش قاین. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶- سبزعلیپور، جهان دوست. (۱۳۹۲). «شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی». پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۳(۵)، ۱۸۲-۱۶۷.
- ۷- علیزاده، علی و تقوی گلپان، محمد. (۱۳۹۱). «ساخت ارگتیو و فروپاشی آن در گویش کرمانجی خراسان». فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۷(۱)، ۷۶-۵۹.
- ۸- کشاورزی، سودابه و صیادکوه، اکبر و سیادت، عسکر. (۱۳۹۸). «ساختن صرفی فعل در گویش پاپونی کوهمره نودان». فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۹(۲)، ۱۰۴-۸۵.
- ۹- کلباسی، ایران (۱۳۶۷). «ارگتیو در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی». مجله زبان‌شناسی، ۵(۲)، ۷۰-۸۷.
- ۱۰- کلباسی، ایران. (۱۳۸۴). «وندهای گویشی و واژه‌سازی». مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۵۴۴-۵۳۰.
- ۱۱- مقداری، صدیقه سادات و مختاری، حسن و مختاری، اعظم. (۱۳۹۱). زعفران به مثقال: مجموعه ضرب‌المثل‌های قاینی. قاین: انتشارات اکبرزاده.
- ۱۲- میردهقان، مهین ناز و نوربان، ژینیا. (۱۳۸۸). «نشان‌داری حالت ارگتیو و مطابقه در بند متعدی در گویش مرکزی زبان تالشی». اندیشه‌های ادبی، ۱(۲)، ۱-۱۵.
- ۱۳- ناصری، زهره و امامی، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی برخی مختصات نحوی و آوایی گویش قاین». فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۴(۱)، ۳۵-۵.

- 14- Comrie, B. (1978). Ergativity. In W. Lehmann (ed.), *Syntactic Typology*. Sussex: The Harvester PRSs.
- 15- Dabir-Moghaddam, M. (2012). Linguistic Typology: An Iranian Perspective. *Journal of Universal Language*. 13(1): 31-70.
- 16- Dixon, R. M. W. (1994). *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University PRSs.
- 17- Gholami, S., & Göttingen. (2009). Ergativity in Bactrian. *Orientalia Suecana*. 58: 132-141.
- 18- Korn, A. (2009). Marking of arguments in Balochi ergative and mixed constructions. In Simin Karimi, VIDA Samiiian & Donald Stilo (eds.) *Aspects of Iranian Linguistics*. 249-276. Newcastle upon Tyne (UK): Cambridge Scholars Publishing.
- 19- Tallerman, . (2011) *Understanding Syntax*. 3 rd ed. London: Hodder Arnold.
- 20- Yarshater, E. (1996). *The Taleshi of Asâlem*. StudiaIranica, Paris, Tome 25, fascicule 1, pp 83-113.